بسم الله الرحمن الرحیم

سؤال یک ملحد: چرا اسلام، باعث پیشرفت در صنعت و علم نشده است؟!!

وقتی که ملحدی این سؤال را از شما پرسید بدانید که مغلطه‌ی منطقی کرده است.

این سؤال معنی ندارد! چون وقتی این سؤال پرسیده می‌شود که شریعت اسلامی در کشورها اجرا شود! بخاطر همین امروزه هیچ کشوری بر روی زمین وجود ندارد که اسلام را اجرا می‌کند و آخرین خلافتی که شریعت را اجرا می‌کرد، ۱۰۰ سال پیش از بین رفته است. بخاطر همین باید این سؤال رو محول کرد به تاریخ خلافت‌ها؛ آیا وقتی که شریعت و خلافت بوده، کشوری را در پیشرفت علم و صنعت به درجه‌ی کمال رسانده است؟ میگویم بله!

پیشرفت اقتصادی

نمونه‌ی مشهور: عمر بن عبدالعزیز رحمه الله، حاکم اموی

دکتر علی محمد صلابی می‌نویسد: «عمر بن عبدالعزیز دو سیاست اصلاحی در اقتصاد قرار داد:

۱ ـ إعادة توزيع الدخل والثروة بشكل عادل (بازتقسیم سرمایه و ثروت به شکل عادلانه)

۲ ـ تحقيق التنمية الاقتصادية والرفاه الإجتماعي (ایجاد امکانات اقتصادی و رفاه اجتماعی)»

(معالم التجدید و الاصلاح الراشدی علی منهاج النبوه مولف:علی محمد صلابی نشر:دار التوزیع و النشر الاسلامیه،مصر صفحه ۲۶۷-۲۶۹)

حد کفایت اقتصادی زمان عمر بن عبدالعزیز رحمه الله:

دکتر علی محمد صلابی می‌نویسد: «سياسة عمر التوزيعية تهدف إلى كفاية الناس من حيث المسكن والمركب والأثاث، وهي عبارة عن حاجات أساسية، وضرورية للإنسان تصعب الحياة بدونها.»

«سیاست توزیعی عمر، به کفایت کردن مرد از نظر مسکن و مرکب و اثاثیه‌ها هدفمند بود، که از نیازهای اساسی و ضروری انسان بودند که زندگی بدون آن‌ها سخت می‌شود.» (همان ص ۲۶۹)

از بین بردن تضاد طبقاتی و تفاوت اجتماعی

دکتر صلابی می‌نویسد: «عمر بن عبدالعزیز متوجه شد که تفاوت اجتماعی نتیجه‌ی بد بودن تقسیم ثروت است، پس سیاست جدیدش برای انصاف کردن (توزیع ثروت بین) فقراء و مظلومان راه‌اندازی کرد، و عمر برای رسیدن به این اهداف بخشی از وسایل عملی آن را رسم کرد:

- منع امیران و بزرگان از دسترسی به ثروت امت، و مصادره‌ی املاکی که ظالمانه غصب شدند به صورتی که امیران و بزرگان بر آنها چیره شدند، و بازگرداندن این اموال به اصحابش (اگر شناخته شوند) یا به بیت‌المال، و اگر شناخته نشوند، به عنوان اموال عامه تلقی می‌شد.

- زیاد انفاق کردن بر گروه‌های فقیر و محروم و رعایت کردن حال آن‌ها و تأمین سطح کفایت‌کننده‌ی آن‌ها از طریق زکات و بیت‌المال که این سیاست را انجام داد و هدف از این سیاست، رساندن مردم به حد کفایت‌کننده بود.» (همان ص ۲۶۸)

ایجاد پروژه‌های رونق تجارت و زراعت + افزایش زکات

صلابی می‌نویسد: «(عمر بن عبدالعزیز) به زکات اهمیت داد و بر آن تأکید کرد؛ چرا که آن حقی است که الله آن را برای فقیران و مسکینان و ... فرض دانسته است و نباید در آن سستی نمود، و در تقسیم آن بر مستحقانش اهمیت داد... و سیاست اقتصادی او در افزایش زکات کمک شایانی کرد چرا که فراهم کردن جو امنیتی و مطمئن، و اهتمام به ایجاد پروژه‌های اساسی تجارت و زراعت و اتباع سیاست آزادی-اقتصادی مقید، و لغو مالیات ظالمانه، همگی به رونق تجارت و زراعت و در نتیجه افزایش زکات انجامید.» (همان صفحه ۲۷۶)

پیشرفت علمی و صنعتی

دید گذرا به این پیشرفت:

دکتر هورتن، محقق آلمانی می‌نویسد: «اسلام بین دین و دانش وحدت و هماهنگی کامل برقرار ساخته و در میان ادیان گوناگون تنها آیین است که موفق گردیده در عرصه‌ی این عمل پیوند را حفظ نماید.» (نوفل،عبدالرزاق،اسلام و علم جدید، ترجمه: حسین وجدانی، چاپ دوم:قم، دار التبلیغ اسلامی، ۱۳۵۰، صفحه ۳۸۴-۳۸۵)

لوئیس پل تاد می‌نویسد: «اروپا دانسته و ندانسته مرهون تمدن اسلامی بوده و با بهره گرفتن از اطلاعات فضلا و دانشمندان علوم اسلامی در زمینه‌ی علوم مختلف، پرچم تمدن را از مسلمانان گرفته و در این قاره برافراشتند. دنیا بدهکاری عظیمی را به محمد و پیروان او بر گردن دارد زیرا آنان بودند که با بسط و توسعه‌ی علوم، خدمت شگرفی به دنیای امروز نمودند.» (پل تاد، لوئیس و دیگران، تاریخ تمدن و زندگی مردم جهان، ترجمه: هاشم رضی، چاپ اول: تهران، سخن، ۱۳۸۳، صفحه ۳۰۵)

غلامرضا گلی زواره می‌نویسد: «اعجاز دین اسلام این بود که اجتماع انسان‌ها را در یک پایگاه اتحاد همگانی بر اساس ایمان و تقوا محقق نمود و ضمن تألف قلوب، همبستگی و انسجام راستین میان جوامع مسلمان، امنیت واقعی، فرهنگ پویا، آزادگی و کرامت‌های عالی را برایشان به ارمغان آورد و آن‌گاه این امت یکپارچه صرف نظر از ملیت‌ها، زبان‌ها و گرایش‌های گوناگون جغرافیایی برای شکوفایی علمی، نوآوری‌ها و ابداعات در هنر و صنعت مصمم گردیدند و تمدنی اصیل و باارزش بنیان نهادند.» (نقش مسلمانان در شکوفایی اروپا، غلامرضا گلی زواره، ناشر: صحیفه، خرد، چاپ سوم تابستان ۱۳۹۱، صفحه ۲۱)

لوی در کتاب ساختار اجتماعی انسان می‌گوید: «صرف نظر از عده‌ی قلیلی از دانش‌پژوهان مسلمان که تحت تأثیر یونانی‌ها بودند، انگیزه‌ی مسلمانانی که در علوم تحقیق کردند، این بود که در عجایب خلقت آثار عظمت الهی را مشاهده کنند.» (Levy.R, The Social Structure of Islam ,Cambridge: Cambridge University Press1957.p (460)

جرج سارتون در کتاب مقدمه‌ای بر تاریخ علم می‌نویسد: «من بار دیگر می‌پرسم که چگونه می‌توان به شناخت درستی از دانش مسلمین دست یافت اگر تمرکز آن حول قرآن را کاملا درک نکنیم؟» (George Sarton, Introduction to the History of Science (Baltimore:The Williams & Wilkins Co. 1927-48) Vol.1 P.5)

عامل پیشرفت علمی ایرانیان، اسلام است

دکتر احمد تاجبخش می‌نویسد: «به علت انتشار آیین اسلام، نظام طبقاتی این دوره را که عامل بدبختی و عدم رضایت جامعه‌ی ساسانی بود از میان برد و پایه‌های معنوی فرهنگ و تمدن ایران را محکم گردانید و جامعه‌ی ایران را با نظام تازه‌ای که مساوات و برابری افراد مختلف بود، آشنا کرد.» (کتاب تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه، نوشته: دکتر احمد تاجبخش، نشر: نوید شیراز، صفحه ۹۹)

نمونه‌ی این پیشرفت:

صلاح الدین ایوبی رحمه الله تعالی

اهتمام صلاح الدین ایوبی رحمه الله به صنعت:

دکتر صلابی می‌نویسد: «اهتم صلاح الدين بصناعة السلاح والمنسوجات والأقمشة والملابس الحريرية المزركشة وسروج الخيل المطهمة، وصناعة الزجاج، كما انتشرت فى عهده صناعة الخزف والسفن والأساطيل إلى غير ذلک مما يزهر الاقتصاد.»

«صلاح الدین به اسلحه‌سازی، منسوجات، لباس‌های حریری، اصطبل‌داری و شیشه‌سازی اهتمام داشت؛ هم‌چنین در عهد او صنعت اسطول‌ها، کشتی‌ها و سفینه‌ها رونق گرفت که سبب رونق اقتصاد شده بود.» (صلاح الدين الأيوبى وجهوده فى القضاء على الدولة الفاطمية وتحرير بيت المقدس، نشر: دار المعرفة، بیروت - لبنان، چاپ اول-۱۴۲۹ هـ - ۲۰۰۸ م، صفحه ۳۴۴)

اهتمام فاتح صلاح الدین رحمه الله به عمرانی و بناسازی:

بنای شهر قاهره:

در این شهر بازارهایی مخصوص برای هر کاری ایجاد می‌شده؛ صلابی می‌نویسد: «أن غالبية الأسواق الرئيسية التى ظهرت فى العصر الأيوبى كانت متخصصة ببيع فئة واحدة من السلع والبضائع وهذه ظاهرة لم تكن معروفة قبل العصر الأيوبى.»

«اکثر بازارهای رئیسی که در عصر ایوبی ظاهر شد، مخصوص گروهی از امکانات و وسایل بوده و این جریان قبل از عصر ایوبی شناخته نشده بود.» (همان، صفحه ۳۴۵)

بنای بیمارستان‌ها:

بیمارستان‌ها در عهد ایوبیون خیلی زیاد بوده‌اند:

- بیمارستان زقاق القناديل

- بیمارستان المعافر

- البيمارستان العتيق

- المارستان الأسفل

- بیمارستان القشاشين (مخصوص نظامیان)

- بیمارستان السقطيين

- بیمارستان الناصرى (بناشده توسط خود صلاح الدین)

- بیمارستان الإسكندرية

- بیمارستان الكبير المنصورى

و ده‌ها بیمارستان دیگر ... و این فقط در پایتخت و حوالی آن هست!! و این در حالی‌ست که در اروپا، اصلاح‌کننده‌ی موی سر، عملیات جراحی را انجام می‌داد ... .

پیشرفت اجتماعی و پیشرفت اخلاقی

با توجه به پیشرفت بزرگ و عظیم مسلمانان در آن زمان، هیچ‌وقت مفهوم حکمت را متقابل دانش ندانستند؛ و اما حکمت چیست؟

شکی نیست که علم جدید در طی دو قرن گذشته پیشرفت‌های شگرفی را در همه‌ی ابعاد به بار آورده است. اما علی‌رغم همه‌ی این پیشرفت‌ها، علم برای بشر خوشبختی نیاورده است. در قرن بیستم به تنهایی شاهد دو جنگ جهانی خانمان‌سوز بودیم که میلیون‌ها نفر را نابود کرد و این نابودی با ابزارهایی صورت گرفت که محصول دانش انسانی بودند. به‌علاوه تعداد کثیری از دانشمندان و مهندسان در عصر حاضر به تعبیه و ساختن وسایل کشتار جمعی مشغولند و جوامع علمی هم نقش مؤثری در تغییر این وضعیت نداشته‌اند. جدایی دانش از حکمت باعث شده است که علم به جای آنکه برای بشر خوشبختی و سعادت روحی به بار آورد، منجر به اضطراب، عدم امنیت و انحطاط اخلاقی شود.

حکمت چیست؟!

با تعریف کتاب راهنمای آکسفورد برای فلسفه از حکمت شروع می‌کنیم:

«نوعی شناخت که یک نگرش متفکرانه را با یک دغدغه‌ی عملی تلفیق می‌کند. هدف این نگرش این است که سرشت بنیادی واقعیت و اهمیت آن برای یک زیستن خوب را بفهمد و هدف دغدغه عملی این است که یک دغدغه‌ی معقول برای زیستن خوب بسازد... ». (Honderich.T. The Oxford Companion to Philosophy.(Oxford: Oxford University Press 1995.P(912)

واژه‌نامه‌ی رندم هاوس نیز «حکمت» را این‌طور تعریف می‌کند: «دانش آنچه حقیقی یا خوب است، همراه با قضاوت خوب.» (Stain J The Random House Dictionary of English Language New York: Random House ۱۹۷۳P ۱۶۳۹)

بر مبنای این دو تعبیر و تعریف‌های مشابه می‌توان خصوصیات زیر را برای حکمت برشمرد:

- داشتن یک چهارچوب جامع

- استفاده درست از دانش

- قضاوت آگاهانه

- تشخیص مسائل اساسی

- حساس بودن نسبت ملزومات اخلاقی اعمال خویش

در کتاب مقدس مسلمانان -قرآن- ۲۰ مورد از حکمت یاد شده و در بیش از ده مورد آن حکمت با «کتاب» آمده است.

در نگرش اسلامی، علوم طبیعت، وسیله‌ی شناخت آیات خداوندی در طبیعت و پیشرفت مسائل فردی و اجتماعی انسان‌ها هستند، بدون آنکه توازن طبیعت را به‌هم بزنند. در غیر این‌صورت علم وسیله‌ی تخریب جوامع انسانی و محیط زیست خواهد بود.

نمونه ی مشهوری بر تلازم حکمت با دانش در شریعت که در طول معیشت افراد با قانون اسلامی (حکمت) مماشات می‌کرد، وجود ندارد چون در طول خلافت‌ها بوده است... .

کتاب معروف «معالم القربة فی طلب الحسبة» در ۷۰ باب فقهی تألیف شده است و چگونگی رعایت اصول اخلاقی-اجتماعی در کارها و شغل‌ها را بررسی کرده است. چند نمونه و چند اقتباس را ذکر می‌کنیم:

- رعایت اصول حکمت در طب

- رعایت اصول حکمت در بیمارستان

- رعایت اصول حکمت در بهداشت

ابن الأخوه می‌نویسد: «و می‌بایستی هنگامی که طبیب بر مریض وارد شود از سبب بیماری‌اش بپرسد و از دردش بگوید تا برای او نسخه‌ای از داروها بنویسد و نسخه‌ی دیگری برای خانواده‌ی بیمار با شاهد بودن کسانی که با دکتر حضور داشتند، بنویسد؛ پس اگر بیمار از دارو استفاده کند، حالت او را یادداشت می‌کند و در روز دوم و سوم و چهارم باز این کار را انجام می‌دهد تا وقتی که مریض یا سالم شود یا بمیرد؛ پس اگر خوب شود، دکتر مزد کارش را می‌گیرد و اگر وفات یابد، خانواده‌ی بیمار نزد حکیم حضور پیدا می‌کنند و نسخه‌هایی که طبیب برای آن‌ها نوشته است، به او عرضه می‌کنند؛ پس اگر آن‌ها را دید که نیکو نگاشته و دارو طبق اصول به وی داده است، به خانواده‌ی مریض می‌گوید که اجلش فرا رسیده است و اگر دید که خلاف اصول به وی دارو داده است، به آن‌ها می‌گوید: دیه‌ی فرزندتان را از طبیب بگیرید، چرا که او با بد نسخه نوشتن دارو، مریض را کشته است.» (معالم القربة فی طلب الحسبة، نشر: دار الفنون «کمبردج»، جلد ۱، صفحه ۱۶۷)

دکتر احمد عیسی در مورد بیمارستان قلاوون می‌نویسد: «و این بیمارستان برای بیماران مسلمانان از زنان و مردان غنی و فقیر در قاهره و خارج از قاهره و مهاجران از کشورهای دیگر است.» (تاریخ البیمارستانات فی الإسلام، نشر: دار الرائد العربی، بیروت - لبنان الثانیة، ۱۴۰۱ هـ - ۱۹۸۱ م، جلد ۱، صفحه ۱۳۸)

تلمسانی رحمه الله در کتابش نفح الطیب می‌نویسد: «اهل اندلس از شدیدترین مردم از لحاظ توجه به بهداشت آنچه فرش می‌کنند و لباس می‌پوشند هستند، و از آن‌ها کسانی پیدا می‌شوند که منبع درآمدی جز خوراک روزانه‌شان ندارند! پس او را با روزه سپری می‌کند و صابونی را می‌خرد که لباس‌هایش را بشوید و با حالتی که با چشم می‌توان وضع (مالیش) را دید، ظاهر نمی‌شود.» (نفح الطیب من غصن الأندلس الرطیب، نشر: دار صادر- بیروت - لبنان، جلد ۱، صفحه ۲۲۳)

و الله اعلم